

اگر داژبال (وسطی)

استاندارد ملی خودش را داشت، چه می شد؟

استانداردها، فراهم کردن چارچوبی برای ارتقای کیفی برنامه های تربیت بدنی است که نتیجه ی آن، پرورش افراد در زمینه ی تربیت بدنی خواهد بود [همان، ص ۱۱].

مرحله ی دوم

در این مرحله باید ببینیم که کدام اجزای داژبال را چگونه می توان در استانداردهای ملی به کار گرفت.

استاندارد ۱

همان طور که اشاره شد، داژبال شامل مهارت های پایه مانند «جاخالی دادن»^۲، پرتاب کردن و دریافت کردن است. این مهارت ها بخشی از استاندارد ۱ هستند: «نشان دادن توانایی در مهارت ها و الگوهای حرکتی، نیازمند اجرای فعالیت های بدنی متنوعی است» [پیشین]. هدف اصلی این استاندارد، افزایش کارایی در مهارت های پایه ی

وجود داشته باشد، داژبال به راستی می تواند، در یک برنامه ی درسی که به طور معنی داری با استانداردهای ملی توافقی دارد، هم چون یک تسهیل کننده عمل کند. [انجمن ملی تربیت بدنی و ورزش^۳، ۲۰۰۴]. به هر حال ببینیم، کسانی که از داژبال به عنوان فعالیت مناسب حمایت می کنند، آیا قادر هستند، استانداردهایی را بر استانداردهای قبلی اضافه کنند، تا از طریق تأیید کردن این بازی و سایر بازی های مشابه آن، اختلاف نظرها از بین بروند.

مرحله ی اول

قبل از تدوین این استاندارد ملی جدید، مطالعه ی شش استاندارد ملی موجود می تواند راهنمای بسیار خوبی باشد. اگرچه در بیشتر قسمت های مقاله ی حاضر به این استانداردها به طور مجزا نگریده شده است، هدف کلی این

به نظر می رسد بحث در مورد «داژبال»^۱، به عنوان فعالیتی مورد قبول در تربیت بدنی، پایان ناپذیر است. بازآموزی این فعالیت ورزشی به معلمان تربیت بدنی بر اساس بهترین تمرینات، وظیفه ای بسیار مشکل است. بسیاری از معلمان، داژبال را در فعالیت های سالانه ی خود جای داده اند و از آن به عنوان ابزاری مهم برای ارزیابی مهارت های پایه، مانند جاخالی دادن، پرتاب کردن و گرفتن که از اجزای بازی هستند، استفاده می کنند. از موارد دیگر حمایت کننده ی این بازی آن است که: «دانش آموزان از آن لذت می برند»، «در آن فقط از توپ های نرم استفاده می شود»، و «قوانین آن طوری طراحی شده اند که بچه ها در حین بازی به طور کامل محدود نمی شوند.»

با فرض این که محدودیت هایی در صحت و اعتبار این استدلال ها

دانش آموزان است.

کارآیی حرکتی در اثر فرصت های تمرینی متعدد به دست می آیند که به نظر می رسد، بیشتر در فعالیت های جانبی و کوچک دیده می شوند تا در فعالیت های گروهی بزرگ که در آن ها، دانش آموزان ضعیف تر غالباً محدود و کنار گذاشته می شوند. حتی در بازی داژبال، دانش آموزان معمولاً نیاز دارند، فعالیت های ورزشی سبک^۵ یا فعالیت های غیرمرتبط با این مهارت را که باعث پیشرفت آن ها می شوند، انجام دهند.

بازی داژبال، به دلیل کمبود فرصت های تمرینی در زمینه ی استاندارد ۱، ناتوان به نظر می رسد.

استاندارد ۲

مفهوم استاندارد ۲: «نشان دادن درک مفاهیم، اصول، راهبردها و راهکارهای حرکتی، همان گونه که در یادگیری و انجام فعالیت های

بدنی به کار برده می شوند» [پیشین]، مستلزم ترکیب دامنه ی شناختی یادگیری با مهارت کسب شده است. این موارد شامل مفاهیم حرکتی مانند مکان، جهت، سطوح، راه ها، نیرو [گراهام، هلت، هال و پارکر^۶، ۲۰۰۴] و راهبردهای بازی هستند.

آموزش مفاهیم و راهبردهای بازی و مفاهیم آن ها، با اهداف قابل مشاهده در یک برنامه ریزی شده، شروع می شود که عملکردهای قصد شده دانش آموزان را نشانه می روند. متأسفانه داژبال سنتی بیشتر اوقات برای همه ی افراد آزاد است و راهبردها و یا مفاهیم بازی به طور اتفاقی با هم ادغام می شوند.

این بحث نیز وجود دارد که نتایج مطلوبی که ممکن است از طریق داژبال حاصل شوند، با آن چه که از طریق آموزش یاد داده می شود، کاملاً متفاوت است؛ مگر این که

معلم به طور فعال آموزش هایی را فراهم کند که به صورت مستقیم، نتایج مطلوب در عملکرد دانش آموزان را به وجود آورد. پس بازی داژبال نمی تواند اهداف استاندارد ۲ را نیز تأمین کند.

استاندارد ۳

«شرکت منظم در فعالیت های بدنی نشان دهنده ی پیشرفت در تعهد و پای بندی به فعالیت های بدنی است» [پیشین]. مفهوم استاندارد ۳ این است که دانش آموزان، فعالیت بدنی را علاوه بر ساعات تربیت بدنی، در خارج از ساعات تربیت بدنی داشته باشند و به شیوه ی زندگی سالمی دست یابند. شیوه ی زندگی سالم، به دنبال مشارکت منظم طی فرایند برنامه ریزی شده ای که بر مبنای اصول تمرینی پایه گذاری می شود، به دست می آید. داژبال فعالیتی همیشگی نیست و افراد اندکی به این بازی

خارج از ساعات تربیت بدنی می پردازند. به همین دلیل، بازی داژبال استاندارد ۳ را نیز تأمین نمی کند.

استاندارد ۴

رشد سلامت فردی جزئی از آمادگی جسمانی است که استاندارد چهارم بر آن تأکید دارد: «به دست آوردن و حفظ سلامتی بخشی از آمادگی جسمانی است» [پیشین]. احتمالاً، آمادگی جسمانی دانش آموزانی که از بازی خارج می شوند و خودشان را به صورت محو شده در گوشه ای از سالن می یابند، افزایش پیدا نمی کند. آمادگی جسمانی افراد به وسیله پی گیری اصول تمرین، مانند «ویژگی»^۲ و «اضافه بار»^۱ پیشرفت می یابد و حفظ می شود. داژبال، بر خلاف بیشتر اصول مطلوب حاکم بر تمرینات، پیشرفت کمتری را در دانش آموزان کم مهارت به وجود می آورد. از این نظر، بازی داژبال از استاندارد چهارم پیروی نمی کند.

استاندارد ۵

به نمایش گذاشتن رفتار اجتماعی و فردی مسئولانه که شامل احترام به خود و دیگران در فعالیت های بدنی است [پیشین]. داژبال در نقطه ی مقابل این دیدگاه قرار دارد. چون هدف داژبال، آسیب رساندن و حذف حریف است، بنابراین موجب عدم مسئولیت پذیری در رفتار اجتماعی و فردی می شود. چنین جنگ های تیمی در بیشتر موارد نتیجه ای جز بی احترامی به دیگران ندارد. اصلاحات جهت دار برای ایجاد

تعاون نیز، به راحتی درباره ی هدف بازی در ذهن دانش آموزان تناقض به وجود می آورد. از آن جا که داژبال غالباً موجب افزایش رفتار پرخاشگرانه و تهاجمی می شود، از نظر استاندارد پنجم هم مردود است.

استاندارد ۶

در استاندارد ششم، برداشت ها و ارزش های فردی دانش آموزان مورد توجه قرار گرفته است: «ارزش فعالیت های بدنی در تأمین سلامتی، لذت بخشی، رقابت، «بیان خود»^۹ و یا برخورد های اجتماعی است» [پیشین]. با توجه به این استاندارد، فعالیت بدنی باید برای همه ی دانش آموزان تجربه ی لذت بردن و احساس متعلق بودن به گروه و در نهایت شیوه ی زندگی فعال را به همراه داشته باشد. بحث در مورد بازی داژبال بسیار ساده است، چون لذت بردن، مبارزه طلبی و برخوردهای اجتماعی را تنها برای چند بازیکن که بر بازی تسلط دارند، به همراه می آورد. دانش آموزان نیز بیشتر اشتیاق و ذوق شرکت در یک بازی را دارند تا ظرفیت های لازم برای کسب مهارت ها و روابط مثبت. بنابراین، استاندارد ششم در بازی داژبال قابل دست رسی نیست.

مرحله ی سوم: یک استاندارد جدید به نام استاندارد ۷

پس از استفاده از استانداردهای ملی موجود، تلاش ما در این مرحله تهیه ی استاندارد جدیدی است که طبق آن، این بازی مستقیماً و به نسبت بیشتری تأثیرگذار باشد. و در

آن ارزیابی توسط خود بازی انجام می گیرد که اساس آن، پرتاب توپ ها به سمت اهداف انسانی (بدن انسان) برای حذف آن ها از بازی است.

البته این بازی اسم خود را از یک تاکتیک دفاعی ساده گرفته است که در آن، از برخورد توپ به خود جلوگیری می کند. طرف داران داژبال ادعا می کنند، دانش آموزان از طریق تمرین این مهارت های پایه و راهبردهای آن، از این بازی بهره می برند. اما این نتایج بیشتر تصادفی به نظر می رسند تا این که برنامه ریزی شده باشند. به علاوه، ظاهراً دانش آموزان ماهر به صورت عمدی و یا غیر عمدی یاد می گیرند که به دانش آموزان مبتدی آسیب برسانند و به تحقیر کردن^{۱۱}، خجالت دادن^{۱۱}، ناراحت کردن^{۱۲}، تنزل^{۱۳} و مغلوب کردن آن ها پردازند.

در راستای طرح های مشابه، انجمن ملی تربیت بدنی و ورزش که استانداردهای آن را در سطرهای قبل ملاحظه کردید، استاندارد جدیدی را مخصوص بازی داژبال ارائه کرده است که در ادامه می خوانید.

استاندارد ۷

«نشان دادن توانایی برابر برای صدمه زدن، تحقیر کردن و حذف کردن در یک بازی گروهی بزرگ، جایی که تمرکز و هدف، غلبه بر رقیب با پرخاشگری برای بردن بازی است.»

آشکار است که در چنین استانداردی، تمرینات مناسب برای رشد ذهنی وجود ندارد. به هر حال استاندارد مشابه با موقعیت واقعی تمرین داژبال، معرف پیامی

به دست آوردن و حفظ سلامتی بخشی از آمادگی جسمانی است

قوی برای حذف کردن این بازی از برنامه‌ی تربیت بدنی است. موضع انجمن علمی تربیت بدنی و ورزش در مورد داژبال در تربیت بدنی به ما یادآوری می‌کند که هدف تربیت بدنی فراهم کردن دانش، مهارت و اعتماد به نفس برای انجام فعالیت بدنی در طول زندگی برای دانش‌آموزان است. دانش‌آموزانی که اولین حذف شده در داژبال هستند، به طور معمول نیاز بیشتری به فعالیت و تمرین برای مهارت‌هایشان دارند [پیشین].

در یک منبع دیگر، انجمن ملی تربیت بدنی و ورزش پیشنهاد می‌کند که کیفیت کلاس تربیت بدنی معلمان طوری باشد که همه‌ی دانش‌آموزان را در فعالیت‌ها درگیر کند و به آن‌ها اجازه‌ی مشارکت فعال دهد تا هم به صورت ذهنی و هم به صورت بدنی فعالیت کنند. فعالیت‌هایی مانند مسابقات امدادی، داژبال و «گرگم به هوا»^{۱۴}، فرصت محدودی برای هر فرد در یک کلاس فراهم می‌کنند، به خصوص برای دانش‌آموزان کندتر و دارای چابکی کمتر که به فعالیت بیشتری نیاز دارند [پیشین].



تغییر فلسفه و عادات غلط، برای معلمان تربیت بدنی عملاً کار مشکلی است. به هر حال، انجمن علمی تربیت بدنی و ورزش، مطالب زیادی را منتشر کرده است که راهنمایی لازم را برای برنامه‌ریزی، به منظور توسعه‌ی فعالیت‌های صحیح فراهم می‌کند. معلمان تربیت بدنی، وظیفه‌ی برنامه‌ریزی درس‌ها را بر پایه‌ی اهداف واقعی و نیاز همه‌ی دانش‌آموزان به عهده دارند. حذف بازی‌هایی که با اهداف استاندارد ملی ناهماهنگ و ناسازگار هستند، شروع فرایند و جریان تغییرات است.

پی‌نویس

1. Dodgeball
2. Marcy r. Maurer
3. National Association Sport & Physical education (NASPE)
4. Dodging
5. Calisthenics
6. Graham, Holt, Hale & Parker
7. Specificity
8. Overload
9. Self-expression
10. Humiliate
11. Embarrass
12. Upset
13. Degrad
14. tag

منابع

1. Graham, G.Holt/Halt, S.A. & Parker, M. (2004). Children movng: A reflective approach to teaching physical education (6th ed.) Boston: Mcgraw Hill.
2. NASPE. (n.d.) Positon of dodgeball in physical education. Retrieved Janury 4, 2000, from <http://www.aahperd.org/naspe/pdf-files/pos-papers/dodgeball.pdf>.
3. NASPE. (2000). Appropriate practices for elementary school physical education. Reston VA: National Association for Sportand Physical Education.
4. NASPE. (2004). Moving into the future: National Standards for physical education (2nd ed), Reston, VA: National Association for Sport and Physical Education.
5. Marcy R. Maurer (2006). what if dodgeball had its own National standard, Teaching Elementary Physical Education.